

معمار آلمانی در شبه جزیره و رویای تحول پساجام جهانی جاہطلبی با کلوب

خردادماه ۱۴۰۵ از راه رسیده است؛ روزهایی که تب فوتبال بین‌المللی با برگزاری مسابقات بزرگ جهانی به اوج خود رسیده و نگاه تمام علاقه‌مندان به مستطیل سبز به ساق‌های ستاره‌ها در بزرگ‌ترین استیج بین‌المللی دوخته شده‌است.
امادر این میان، درست در پشت درهای بسته اتاق‌های مدیریتی مجلل در جده و ریاض، شطرنجی به‌مراتب بزرگ‌تر، پیچیده‌تر و سرنوشته‌سازتر در جریان است که می‌تواند نقشه‌زنوپلیتیک فوتبال جهان را برای همیشه دگرگون کند.
مدیران ارشد فوتبال عربستان سعودی که پیش از این با خرید نام‌های کپکشانی و تکرانندنی چون کریستیانو رونالدو، کریک بنزما و نیمار جنجال‌های بزرگی در دنیای فوتبال به پا کرده‌نگاه‌ها به این بخش از آسیاخیره‌ساخته‌بودند، حالا به دنبال صید ماهی بزرگ‌تری در اقیانوس فوتبال هستند؛ مردی که کلاوزوشی، عینک‌معروف، فریادهای پر انرژی کنار خط و لیخندهای کلزیماتیکش سال‌ها ماندا شور، تعصب و موفقیت در آنفیلد بود؛ یورن کلوپ.
خبر مذاکرات فشرده و پنهانی باشگاه الاتحاد با این مربی نابغه و محبوب آلمانی برای تصدی سمت حساس و استراتژیک مدیر فنی، نه تنها یک بمب خبری ساده و تکان‌دهنده برای امرکارت رو بااست، بلکه نشان‌دهنده یک چرخش استراتژیک، عمیق و بنیادین در نگاه مدیران سعودی به آینده فوتبال است. این پروژه بزرگ، بیش از آنکه به دنبال جلب توجه کوتاه‌مدت رسانه‌ها یا لایک‌های شبکه‌های اجتماعی باشد، معماری اصولی آینده فوتبال در شبه‌جزیره را هدف قرار داده‌است.



بر اساس گزارش‌های موثق و دست‌اول ساشا تاوولیری، روزنامه‌نگار سرشناس و پیگیر بلژیکی، باشگاه الاتحاد عربستان سعودی در ماه‌های گذشته چراغ خاموش و با برنامه‌های دقیق، پروژه متعادل کردن کلوب را پیش برده‌است. نقش پیش‌بیندازی به این تئورسین آلمانی، ایستادن کنار خط، تحمل استرس و دقیقه‌های مسابقات و فریاد زدن بر سر بازیکنان، نیست؛ آنها کلوب را به عنوان معمار بزرگ پشت‌صحنه می‌خواهند. نقشی که عمدتاً بر نظارت کامل بر فرآیندهای نقل و انتقال،ی استراتژی‌های کلان جذب بازیکن، ایجاد شبکه استعدادیابی جهانی، توسعه آکادمی‌های جوانان و در یک کلام، بازسازی ساختار ورزشی باشگاه تمرکز دارد.
در ویو یکرد جدید الاتحاد، پاسخ مستقیم است که به ناکامی‌های تلخ فصل‌های اخیر؛ جایی که حضور ابرستاره‌های گران‌قیمتی چون کریک بنزما و انگولو کانته با وجود تمام درخشش فردی‌شان، نتوانست ثبات تاکتیکی و بهره‌رمانی‌های مداوم و پایدار را برای این تیم به ارمغان بیاورد. مدیران سعودی به این درک ژرف رسیده‌اند که برای حرفه‌ای‌سازی واقعی و ماندگاری در سطح اول فوتبال جهان، پول پاشیدن روی ساق بازیکنان بزرگ اما با سن پهن گذشته کافی نیست؛ آنها اکنون به دنبال خرید مغزهای متفکر و جریان‌ساز فوتبال روپاهستند تا ساختاری نوفاوندزنی، پیو و مدرن بناکنند که فراتر از نام‌های بی‌سیستم‌هاحرکت کند.
در حالی که مدیران کلوبوریت شمال این پروژه بلندپروازانه و تمدن‌ساز ورزشی، فوتبال باشگاهی ایران در وضعیتی کاملاً تعطیل، منجمد، فرسوده و غرق در روزمرگی‌های مضحک دست‌وپا می‌زند، تماشای این حجم از پویایی، دید وسیع و دوراندیشی در همسایگی حوضی هم حسرت‌برانگیز است و هم کنایه‌آمیز.
در شرایطی که مدیران الاتحاد به دنبال جذب تئورسینی مثل کلوب برای بازتعریف شبکه استعدادیابی وجودی و ساختارسازی آکادمی‌های خود هستند، بالاترین سطح فوتبال در ایران همچنان با بحران‌های اولیه‌بدوی و خندهداری مانند کیفیت چمن استاندارد، قطعی و عدم هماهنگی مداوم سیستم کم‌کادرو ویدئویی (VAR)، بی‌بایان‌نویسی‌های شبانه و کودکانه باشگاه‌ها علیه یک‌دیگر و قوانین سقف بودجه‌ای دست‌به‌یافته است که بیشتر به یک شوخی مدیریتی شباهت دارد. فوتبال باشگاهی ایران عملاً به یک پرتیرین‌شاک گرفته، مستثنی و تعطیل بدل شده که بزرگ‌ترین دستاورد مدیرانش، پاس کاری مسئولیت خرابی‌های زیرساختی استاندارد، آزادی بحران نوراق‌ها یا اجازه دادن زمین‌های نامهور و زرد شده به قیمت‌های نجومی است. تفاوت بنیادی در اینجاست؛ یکی به دهه‌های آینده نگاه می‌کند و به دنبال جذب معماران طراز اول دنیا برای خلق یک نظام فوتبالی نوین است و دیگری در نوستالژی نداشتنه‌ها، دعوای‌های حاشیه‌ای برنامه‌های تلویزیونی و مدیریت‌های باری‌بهر چهره و هیئتت دست‌وپا می‌زند؛ ناداشی آشکار و در دناکامی‌های خودکام گرفتن بستنی بودیه که فارس‌وسکون فرساینده فوتبال ایران.

اما چرا حضور کلوب در این مقطع زمانی تا این حد حیاتی، استراتژیک و تحول‌آفرین ارزیابی می‌شود؟ پاسخ‌ها را باید در افق روشن پساجام جهانی ۲۰۲۶ جست‌وجو کرد. با پایان یافتن بزرگ‌ترین و پر مخاطب‌ترین رویداد فوتبالی جهان در قاره آمریکا، بازار نقل و انتقالات بین‌المللی و بازار فز جدیدی از تلاطم و سیالیت خواهد شد. بسیاری از ستاره‌های تراز اول جهانی که در اوج دوران فوتبال، پختگی و آمادگی بدنی خود هستند، پس از اتمام تعهدات مسابقات ملی به دنبال چالش‌های جدید، فضاهای نوین و البته قرار دادهای مالی چشمگیر و نام‌های گنشمه می‌شوند. مسئول نشینان بار دیگر ثابت کردند تا پیش از این، انتقال به لیگ حرفه‌ای عربستان برای بازیکنانی که در سنین اوج خود (مثلاً ۲۸ تا ۳۲ سال) قرار داشتند، یک خودکنشی فوتبالی، دوری از سطح اول رقابت یا صرفاً انتقالی مادی و بی‌پشتوانه تلقی می‌شد. اما تصور کنید یورن کلوپ، مربی که به‌هوش استراتژیک، توسعه استعدادها و بازیکن‌سازی در بالاترین سطح شهره است، در راس هرم ورزشی باشگاهی مانند الاتحاد قرار گیرد. حضور او به کل پروژه فوتبال عربستان یک مشروطیت فنی و بین‌المللی بی‌نظیر تریقی می‌کند. ستاره‌های جدیدی که پس از جام جهانی راهی شبه‌جزیره خواهند شد، دیگر نه برای گذراندن دوران بازی‌نشستگی و تفریح، بلکه به اعتبار پروژه ورزشی شخص کلوپ و برای کارزیر نظر تئوریک‌و این مسیر را باطمینان انتخاب خواهند کرد. کلوپ با کاراکتر منحصربه‌فرد و دوشیکه ارتباطی وسیع خود، می‌تواند الاتحاد را به مدلی پیشرو تبدیل کند که ستاره‌های جوان اروپا را ترغیب کند تا به جای نشستن روی نیمکت غول‌های اروپایی، به محور اصلی پروژه وارد آسیا تبدیل شوند.

صاحب‌امتیاز؛ موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول؛ مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی؛ مرتضی بلوکی

روایتی از صدورز تعلیق، جنگ سهمیه‌ها و معمای لیگ بیست‌وپنجم

سوت پایان در سکوت

نگار رشیدی

بیش از صد روز از آخرین باری که سوت داوران در ورزشگاه‌های ایران به صدا درآمد می‌گذرد. چمن‌های سبز که روزگاری میزبان هیاهوی ده‌ها هزار تماشاگر و نبرد گلابداتورها می‌مستطیل سبز بودند، حالا در سکوتی سنگین و کشدار فرو رفته‌اند. جنگ ۴۰روزه، همچون طوفانی سهمگین، نه تنها نظم زندگی عادی، بلکه ضربان قلب فوتبال ایران را هم از کار انداخت. حتی با برقراری آتش‌بس، گرمای رقابت به برگ‌های لیگ بیست‌وسوم، بازگشت. این داستانی است از یک سرگردانی بزرگ؛ روایتی از لیگی که در سرزخ نیمه‌تمام ماندن دست‌وپازد و مدیرانی که در هزارتوی تصمیم‌گیری گم شدند.

در راه‌روهای تاریک و پرالتهاب سازمان لیگ، زم‌مه‌ها به فریاد تبدیل شده است. باشگاه‌های ایرانی که هر کدام منافع خود را در این آشفته‌بازار می‌جویند، به‌دو قطب کاملاً نامتوازن تقسیم شده‌اند. در یک سوی میدان، اتلافی قدرتمند و مستحکل از ۱۳ تیم لیگ برتری ایستاده‌اند؛ تیمی از مدیران و مربیان که خسته‌از بلاکلیفی، قاطعانه شمشیر را از رو بسته‌اند و خواهان پایان دادن به این کابوس صدروزه هستند. آنها می‌خواهند سوت پایان لیگ ۲۵مین حالا به صدا درآید. در میانه میدان، استقلال‌ها با احتیاط قدم برمی‌دارند. آبی‌پوشان پایتخت با رأیی ممتنع، در سکوت نظاره‌گر بازی‌اند. هر چند اگر به خلوت آنها سرک

پنجمین تغییر شده است

اتفاق روز

وقتی پیراهن ملی، بر تن ناآگاهی زار می‌زند چه خبرتونه!

آرژطاری

در روزهایی که تب و تاب جام جهانی فوتبال در حال اوج‌گیری است و تیم ملی فوتبال ایران پس از رسیدن به کمپ تیخوانا در مکزیک، خود را برای حضور در مسابقات ایالات متحده آمریکا آماده می‌کند، انتظار می‌رفت تنها دغدغه ایرانی‌ها مسائل فنی و آمادگی بدنی بازیکنان باشد. ماجرای صادر نشدن ویزا برای تعدادی از اعضای کاروان، از دست رفتن کمپ اصلی در آمریکا و دریافت مجوزهای ساعتی برای برگزاری بازی‌های مرحله گروهی، به‌خودی‌خود برای آشفته کردن تمرکز یک تیم و برهم زدن خواب‌مدیران کافی بود. اما گویی فوتبال ایران همیشه به یک تیر خلاص درده‌تیری که این بار نه از مستطیل سبز، بلکه از لایه‌های پرچین‌های یک هتل پنج‌ستاره در در ترکیه و از طریق صفحات روزنامه بریتانیایی «دیلی میل» شلیک شد. اتهام سنگین ایجاد ماحمت یک ملی‌پوش برای یک دختر ۱۴ساله انگلیسی، چه صحت داشته باشد یا چه در حد یک ادعای اثبات‌نشده باقی بماند، پتکی است بر سر حیثیت ورزش ملی ما. افکار عمومی با یک پرسش ملتهب و کلافه‌کننده مواجه است: «خ چه خبرتونه؟» چرادر حساس‌ترین برهه‌های تاریخی، باید به جای تمرکز روی توپ و میدان، نگران آبرویرزی‌های فرامرز و انگشت‌نماشدن در رسانه‌های جهانی باشیم؟

برای درک عمق فاجعه، باید به عقب برگردیم؛ به روز ۲۴می (چهار خرداد) در یک هتل مجلل در ترکیه. یک خانواده انگلیسی که برای گذراندن تعطیلاتی شیرین به این هتل آمده بودند، متوجه حضور یک تیم فوتبال ملی می‌شوند که خود را برای جام جهانی آماده می‌کند. همه چیز با سالم و احوال پررسی‌های دوستانه آغاز می‌شود. اما نقطه تاریک ماجرا در سمت بعد از ناهار رقم می‌خورد. روایت دختر نوجوان شوکه‌کننده است. او که از دیدن یک بازیکن مشهور هیجان زده شده بود، برای گرفتن عکس یادگاری به او نزدیک می‌شود. اما بازیکن، گوشی او را می‌گیرد، آیدی اینستاگرام خود را وارد می‌کند و از حساب دختر به خودش پیام می‌دهد. فاجعه زمانی تکمیل می‌شود که طبق ادعای مطرح شده، بازیکن پس از تایید سن دختر (۱۴سال)، از او می‌خواهد به پشت پرچین‌ها برود. نجایی که دور از چشم دیگران رونق داد. پدر خانواده می‌گوید: «حال‌حال گرفتن بستنی بودیه که

چهره به چهره

بلیت‌هایی که دود شدند و فدراسیونی که فقط تماشای می‌کند

احسنت به این دیپلماسی ورزشی!

نازنین دشتی

در آستانه جام جهانی ۲۰۲۶، در حالی که تب فوتبال باید تمام‌خیابان‌ها را فرامی‌گرفت و شور و شوق، جایگزین اخبار تلخ و التهابات ماه‌های گذشته می‌شد، مسئول نشینان بار دیگر ثابت کردند که در خلق بحران، استعدادی شگرف و پایان‌ناپذیر دارند. وقتی مهدی تاج بر صندلی ریاست



چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به راهپنهر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
ایمیل: @tosee_irani

بکشید، کفه ترازوی تمایل‌شان به سمت تعطیلی دائم مسابقات سنگینی می‌کند. اما در سوی دیگر، تنها دو قلعه همچنان مقاومت می‌کنند؛ پرسپولیس و گل‌گهر. این دو تیم که هنوز رویاهای نیمه‌تمامی در سر دارند، با تمام‌قوا برای آسزگیری مسابقات بافشاری می‌کنند. سرخ‌پوشان پایتخت و سرمه‌ای‌پوشان سیرجان، هرروزه به درهای بسته فدراسسیون می‌کوبند، اما تا این لحظه، تیرشان بلند انفعال مقامات ارشد فدراسسیون و سازمان لیگ راه به جایی نبرده‌است. صدروز گذشته و فدراسیون نشین‌ها همچنان در طلسم عدم اجماع نظر گرفتارند.

در حالی که لیگ در کما به سر می‌برد، سایه سنگین کنفدراسسیون فوتبال آسیا (AFC) و ضرب‌الاجل‌های بی‌رحمانه‌اش، خواب را از چشمان مدیران سلب کرده‌است. ماجرای انتخاب نمایندگان ایران در فصل آتی مسابقات آسیایی، به یک تراژدی پیچیده تبدیل شده است. تکلیف دو صندلی در قطار لیگ نخبگان مشخص است؛ استقلال و تراکتور با خیالی آسوده بلیت‌های خود را در جیب دارند. اما بحران اصلی، بر سر تصاحب سهمیه سوم است. سیاهان، تیمی که می‌توانست با شستن بر رده سوم جدول، این سهمیه را مال خود کند، در آزمون دشوار دریافت مجوز حرفه‌ای مردود شد و از گروه رقابت کنار رفت. حالا سه مدعی با چنگ و دندان برای رسیدن به آسیا می‌جنگند. گل‌گهر که در رده چهارم ایستاده، یک بازی بیشتر از چادرملو و پرسپولیس انجام داده است. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود؛ حکم جنجالی کمیته انضباطی که پیروزی سه‌بر صفر را برای گل‌گهر مقابل چادرملو به ارمغان آورد، معادلات این رقابت را به کلافی سردرگم تبدیل کرده‌است.

هیئت‌تیسف فدراسسیون برای فرآز از این فشار خردکننده، به یک راهکار قدیمی متوسل شد؛ تشکیل کارگروه ویژه. اما خروجی این کارگروه نه‌تنها بی بر آتش نریخت، بلکه خود به جرقه‌ای برای شعله‌ور شدن حواشی تبدیل شد. کارگروه، سناریو بدی و دو چپتی و شبیه به فیلم‌های معمایی روی میز گذاشت. اما تلاح می‌داند که نمی‌تواند از

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به راهپنهر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
ایمیل: @tosee_irani



راه‌دور، آتش این بحران را نادیده بگیرد. او اعلام کرده که حتی اگر در نینگه دنیا هم باشد، به صورت آنلاین در جلسه جنجالی هیئت‌تیسف که تا پایان همین هفته برگزار خواهد شد، شرکت می‌کند. در این جلسه، قرار است یک اتفاق مهم رخ دهد؛ وتوی ایده تورنمنت سه‌جانبه. در حالی که سه عضو کارگروه (حجت کریمی، علی‌خطیر و حیدر یونس) موافق این ایده بودند، اکثریت قاطع هیئت‌تیسف شمشیرهای خود را برای رد آن تیز کرده‌اند. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این طرح با هفت رای مخالف در برابر چهار رای موافق به‌باله‌ان تاریخ فوتبال ایران فرستاده خواهد شد. ادله معرفتی به عنوان سسومین نماینده آسیایی پیروزی در کمیته استیناف بسیار ضعیف است و با توجه به عملکرد درخشان گل‌گهر در فصل اخیر حضور در جمع هشت تیم برتر جام حذفی و میانگین امتیازی بالا)، سیرجان‌ها شانس اول و آخر معرفتی به عنوان سسومین نماینده آسیایی ایران هستند.

اما شادسبیت این غزل تلخ، در جای دیگری سروده می‌شود. مقامات ارشد فدراسسیون، با تکیه بر گزارش‌های کارشناسان سازمان لیگ، تصمیم خود را برای شلیک تیر خلاص به پیکر نیمه‌جان

لیگ ۲۵ گرفته‌اند. اتفاق شگفت‌انگیز این ماجرا، چرخش ۱۸۰ درجه‌ای مهدی تاج است. مردی که تا پیش از این سست و سخت مقابل‌ایده ۱۸ تیمی شدن لیگ برتر ایستاده بود، حالا تحت تأثیر شرایط فورس‌ماژور و استثنایی فعلی، به جرگه موافقان پیوسته‌است. وقتی سهمیه‌های آسیایی تقسیم‌شوند، دیگر ادامه لیگی ۲۰۰روز رنگ توپ راه‌خودندیده، نه جذابیتی دارد و نه اهمیتی. مدیران عامل باشگاه‌ها، چه به صورت شفاهی و چه مکتوب، فشار بی‌امانی به فدراسسیون آورده‌اند. خواسته اکثریت مطلق آنها یک کلمه است؛ پایان. به نظر می‌رسد در جلسه آتی هیئت‌تیسف، این خواسته جامه عمل خواهد پوشید. با مصوبه هیئت‌تیسف، جدول رده‌بندی فریز خواهد شد، لیگ ۲۵ به عنوان یکی از عجیب‌ترین، جنجالی‌ترین و تلخ‌ترین دوره‌های تاریخ فوتبال ایران به صورت نیمه‌تمام در آرشو تاریخ فوتبال آسیا می‌شود و سسوت آغاز آماده‌سازی برای لیگی جدید، با چهره‌های متفاوت و ۱۸ تیم، در گوش فوتبال ایران طنین‌انداز خواهد شد. تیم‌ها حالا باید خاکستزر لیگ بیست‌وپنجم را از روی شانه‌های خود بکنانند و برای فصلی نو، از نو متولد شوند.

تلفن همسر زنگ خورد. دخترم به شدت گریه می‌کرد. او ما را خواست عجله کنیم و به کنار استخر



بیاییم» خشم، مواجهه با کادر فنی، تکذیب‌های مکرر بازیکن و نه‌نهایت، هتل بی‌مسئولیتی که ادعای کند هیچ دوربین مداربسته‌ای برای اثبات ماجرا ندارد، تراژدی را کامل می‌کند. فراتر از آن، شنیدن زم‌مه‌های مبنی بر نزدیک‌شدن همین بازیکن به یک‌دخت ۱۵ساله دیگر، نشان از یک الگوی رفتاری بیمارگونه دارد که نمی‌توان آن را با یک چسب تفاوت‌فرهنگی توجیه‌ور فرجوع کرد. آنچه در این میان به‌شدت مغفول مانده، در ک مفهوم ورزش‌شکار ملی است. یک ملی‌پوش، پیش

و بیش از آنکه یک فوتبالیست، دوندنه یا کشتی‌گیر باشد، یک سفیر فرهنگی و اجتماعی است. وقتی یک ورزشکار از مرزهای جغرافیایی کشورش خارج می‌شود و لوگوی فدراسسیون و پرچم کشورش را بر سینه دارد، دیگر یک فرد عادی نیست او نماینده بیش از ۸۰ میلیون نفر است. هر رفتار او در هتل، فرودگاه، ستوران و خیابان، به پای یک ملت نوشته می‌شود. هر اشتباه او، خوراکی برای رسانه‌هایی می‌شود که تشنه ساختن حواشی و تخریب‌وچهره‌کنشور‌ها هستند. هر بی‌اخلاقی او، خونجری است بر پیکر اعتمادی که مردم به قهرمانان خود دارند. متأسفانه به‌نظر می‌رسد این مفاهیم بدیهی، در اردوی تیم‌های ملی ماجایی نپندار بازیکنانی که در سنین جوانی به شهرت، ثروت و جایگاه اجتماعی بالایی دست پیدا می‌کنند، اغلب از لحاظ روانی و فرهنگی برای هضم این جایگاه تربیت‌نشده‌اند. آنها می‌آموزند که چگونه در زمین مسابقه تکل بزنند، چگونه شوت بزنند و چگونه از نظر فیزیکی در اوج باشند، اما هیچ‌کس به آنها نمی‌آموزد که چگونه باید یک «لگو» باشند.

فدراسسیون فوتبال تکیه‌زدن‌قرار بود ناجی کشتی طوفان زده فوتبال ایران باشد. اما حالا این کشتی نه‌تنها به گل‌نشسته، بلکه مسافرائش نیز در روز روشن غارت شده‌اند. ماجرای جدید، دیگر ربطی به چمن ورزشگاه‌ها، VAR یا سهمیه‌های لیگ برتر ندارد؛ این بار پای اعتماد عمومی و سرمایه و جیب هواداران در میان است. بلیت‌هایی که با تبلیغات فراوان فروخته شدند، اما هرگز وجود خارجی نداشتند!

داستان از آنجا شروع شد که فدراسسیون فوتبال، بازستی کاملاً حرفه‌ای، سامانه بلیت‌فروشی جام جهانی را فعال کرد. سخنگوی فدراسسیون با افتخار از استقبال گسترده هواداران در داخل و خارج از کشور خبر داد. این اتفاق در شرایطی رخ می‌داد که از همان روزهای نخست، به دلیل فضای متشنج پس از جنگ ۴۰روزه و ممنوعیت‌های سخت‌گیرانه علیه تماشاگران ایرانی و حتی هواداران هائیتی، کاملاً مشخص بود که حضور در این تورنمنت به این سادگی نخواهد بود. اما شاهکار اصلی ماجرا، بند حیرت‌انگیزی بود که فدراسسیون در قوانین خرید بلیت گنجانده بود؛ اگر ویزا افراد صادر نشود، فدراسسیون مسئولیتی در قبال هزینه پرداختی ندارد و پول مسترد نخواهد شد! این بند، به تنهایی یک تراژدی تمام‌عیار بود. فدراسسیون بدون هیچ تضمینی برای حل مشکل ویزا یا ارزیابی بناهادهای مربوطه، سامانه پرداخت را باز کرد تا اشتیاق مردمی که با هزار امید و آرزو رویی حضور در جام جهانی را در سر می‌پروراندند، به‌بر داری مالی کند.

ماضربه‌نهایی در فاصله کمتر از یک هفته تا دیدار حساس ایران ونیزرو بلندارز رسید. بیانیه‌های که روابط عمومی فدراسسیون صادر کرد، بیشتر شبیه به یک اعتراض‌نامه تلخ بود. طبق قوانین فیفا، هشت درصد ظرفیت بلیت‌ها، در هر مسابقه (از جمله دیدارهای ایران مقابل نیدرلند، بلژیک و هند) به فدراسسیون حرفه‌ای حاضر اختصاص می‌یابد تا هواداران از مجاری رسمی اقدام کنند.

فدراسسیون ایران نیز بر همین اساس پول‌ها را جمع‌آوری کرد.

اما ناگهان اعلام شد سهمیه اختصاص یافته به فدراسسیون سلب شده و امکان ارائه حتی یک بلیت به هواداران وجود ندارد! به، درست خواندیده‌حتی یک بلیت! فدراسیونی که پیشاپیش مسئولیت‌صادر نشدن ویزا را در گن خودیاز کرده‌بود، حالا اصلا بلیتی در دست ندارد که به‌خواهد نگران ویزای هواداران باشد.